



### وزیر دست‌به‌عصا

برای ما ایرانی‌ها جان‌کری مساوی است با برجام. اصولاً ما اگر مقداری اهل سیاست و پیگیری اخبار باشیم چهره‌های بین‌المللی را در مناسبات سیاسی با کشور خودمان می‌شناسیم. البته باور داریم که اگر همین الان برویم داخل صف نانوایی یا نمی‌دانم مثلاً کف خیابان و از مردم پرسیم جان‌کری را می‌شناسند یا نه؟ پاسخ اغلب‌شان یا صراحتاً نه است یا می‌گویند اسمش را شنیده‌اند، ولی نمی‌دانند کیست! به همین خاطر می‌گویم شاید مثلاً برای بسیاری اهمیت نداشته باشد روزنوشت‌های جان‌کری یا امثال او! اما فراموش نکنید که گاهی همین که این نکات را گوشه ذهن داشته باشیم (وزن که ندارد) ممکن است روزی به دردمان بخورد و برایمان کارایی داشته باشد. آقای کری هم خاطرات خود را مکتوب کرده و در برابر قضاوت تاریخ قرار داده است. «هر روز موهبتی است» شرح زندگی این دیپلمات آمریکایی از کودکی تا روزهای حضورش در وزارت خارجه آمریکا است که در آن می‌توان روزهای حضورش بر سر میز مذاکرات برجام را نیز مطالعه کرد.



### ماجراهای آقای دبیر کل

این کتاب روایتی از دبیر کل سازمان ملل متحد است که با کارشکنی‌های آمریکا از سمت خود برکنار شد. نویسنده در یک خلاقیت روایی تلاش می‌کند به جای انتخاب سیر خطی وقایع و بیان آن‌ها از روایت غیرخطی استفاده کند و با این روش جذابیت‌های روزنوشت‌های خود را افزایش دهد. او با تبیین دلایلی که باعث شد آمریکا با تمدید دوره ریاست او مخالفت کند خواننده در موقعیتی قرار می‌دهد که بی‌موضع نباشد. در سراسر کتاب غالی از این ناراحت است که آمریکا سعی فراوانی برای استفاده از سازمان ملل به عنوان یک آلت دست داشته و غالی همواره در برابر این وضعیت مقاومت کرده است. این کتاب روایت یک دبیرکل تک دوره‌ای را برای خواننده بازگو می‌کند و راوی نیز نشان می‌دهد که قدرت‌هایی مانند آمریکا در تسلط بر مجامع عمومی بین‌المللی از چه ابزارهایی استفاده می‌کنند. البته نباید غافل شد که غالی هرچند برای دومین مرتبه به عنوان دبیر کل انتخاب نشد ولی در دوران ریاستش نیز تلاش زیادی خلاف خواست آمریکا انجام نداده است.



### رازهای شرمین

او نیز یکی از اعضای تیم مذاکره‌کننده آمریکا در ماجرای مذاکرات هسته‌ای با ایران است. اثر گذاری برجام بر وقایع سیاسی ایران، می‌تواند علتی باشد که خاطرات کنشگران این مذاکرات اهمیت پیدا کند. «بدون هراس» و «من ترسو نیستم» عنوان دو ترجمه از کتاب خاطرات شرمین است که به فاصله کمی از یکدیگر روانه بازار کتاب داخلی شد تا مخاطبان روایت یکی از اعضای ارشد مذاکرات را بخوانند. هرچند شاید باز هم همان گزاره تکراری درباره شرمین نیز صادق باشد که چه کسانی در کف جامعه «شرمین» را می‌شناسند؟!



### رقیب ترامپ

هیلاری کلینتون را می‌توان به عنوان یکی از زنان فعال در عرصه سیاست در غرب معرفی کرد. او علاوه بر حضور مؤثر و پیگیر در کارزارهای انتخاباتی در نوشتن خاطرات روزنوشت اتفاقاتی که از سر می‌گذراند و انتشار آنها نیز پیگیری بسیاری دارد. تا جایی که دو عنوان از خاطرات او تاکنون به فارسی ترجمه شده که یکی مربوط به روزهای تصدی پست وزارت خارجه در دولت اوباما است و دیگری رقابت‌های انتخاباتی او با دونالد ترامپ است. کتاب «انتخاب‌های سخت» روایت او از روزهای حضورش در وزارت امور خارجه ایالات متحده است. نکاتی که در این کتاب دیده می‌شود تصویری جزئی و ریز از سیاست خارجی این کشور نشان می‌دهد که مانند یک شطرنج‌باز ماهر برای حرکتش فکر و حساب کرده و دست به مهره می‌شود. در این کتاب بارها نام ایران آورده می‌شود و نویسنده تلاش کرده تا روایتی دقیق از حضورش در وزارت خارجه را عرضه کند. کتاب دیگری که از کلینتون در بازار کتاب ایران دیده می‌شود «آنچه اتفاق افتاد» است، خاطرات کلینتون از رقابت با دونالد ترامپ برای رسیدن به کاخ سفید. به نظر می‌رسد نوشتن خاطرات در میان سیاستمداران آمریکایی امری جدی است و آن قدر که آمریکایی‌ها به نوشتن عادت دارند اروپایی‌ها ندارند.



### به روایت مرد جنگ‌طلب

باید گفت محال است ایرانی باشیم و جورج دبلیو بوش را به یاد نیاوریم. البته این جمله برای متولدین میانه ۸۰ به بعد خیلی مصداق ندارد و مراد کسانی است که در سال‌های ۸۰ قوه تشخیص داشتند. محال است جنگ آمریکا علیه عراق را فراموش کنیم که چگونه نوروز در خانه بودیم و از تلویزیون لحظه به لحظه تحولات عراق و پیشروی نیروهای آمریکایی را دنبال می‌کردیم. کتاب «لحظات تصمیم‌گیری» عنوان خاطرات بوش است که منتقدان بسیاری دارد. بوش در این کتاب بخش‌های مختلفی از زندگی خود را روایت کرده و در فصل‌هایی به دوران ریاست جمهوری‌اش اشاره کرده است. روزهایی که جنگ افغانستان و عراق با فرمان او آغاز شد و دامنه آن تا امروز ادامه داشته است. این کتاب برای پی بردن به عمق حوادث می‌تواند مفید باشد هرچند بسیاری معتقدند بوش در روایت خاطراتش صداقت نداشته است.



### داستان‌های جزیره

انگلیسی‌ها را ما نهایتاً با چرچیل می‌شناسیم که البته این هم ربطی به سفرش به تهران برای کنفرانس تهران در جریان جنگ دوم جهانی ندارد، بلکه او برای ما کاربردی ضرب‌المثل‌گونه دارد. به همین خاطر اگر خیلی اطلاعات‌مان درباره انگلستان در حوزه سیاست زیاد باشد شاید درباره تاجر یا ملکه پیر این کشور چیزهایی بدانیم. در غیراین صورت دیوید بکام و منچستر یونایتد را بیشتر از چهره‌های سیاسی این کشور می‌شناسیم؛ حتی همین الان اگر از ما درباره نام نخست‌وزیر کنونی این کشور سؤال کنند بعید است بتوانیم پاسخش را پیدا کنیم. حالا تصور کنید، بخواهیم برویم سراغ خاطرات آقای تونی بلر با عنوان «سفر» که در آن خاطرات شغلی و سیاسی بلر به عنوان نخست‌وزیر در آن بازگو شده است. تونی بلر در این کتاب، بیشتر از مسائل داخلی بریتانیا، به سیاست خارجی پرداخته و انتقاداتی را متوجه برخی اعضای حزب کارگر کرده که باید گفت شاید برای یک کارشناس مسائل انگلستان و بریتانیا جذاب باشد، ولی خب عده‌ای هم هستند که از این دست کتاب‌ها استقبال می‌کنند. البته شاید فصل مشترک اغلب کتاب‌های موجود ایران و برنامه هسته‌ای آن باشد که در خاطرات اغلب چهره‌های سیاسی به آن اشاره شده است. بلر در کتابش ایران را برای غرب خطرناک‌تر از همسایگان عربش توصیف می‌کند.



### «جک» لندن!

«کار، کار ایرانی‌هاست» عنوان خاطرات یکی از وزرای خارجه دولت انگلستان است. او با اشاره به ضرب‌المثلی قدیمی که در میان ایرانیان رواج دارد عنوان کتابش را انتخاب کرده است. او تلاش دارد روایت خود از ریشه‌های بی‌اعتمادی تاریخی ایرانی‌ها به انگلستان را در این کتاب بازگو کند. شرح سفری تفریحی به یزد و مواجهه با مردم و اتفاقات مختلف از جمله حواشی این کتاب است که استراو کوشش کرده نشان دهد بسیاری از باورهای موجود و رایج براساس ذهنیت غلط وجود دارد و سعی می‌کند غیرمستقیم آن‌ها را برطرف کند. این کتاب با ترجمه‌های مختلفی در بازار کتاب دیده می‌شود و در مجموع از جمله آثار مهم سیاسیون در بازار کتاب ایران است که استقبال خوبی هم از آن صورت گرفته است، زیرا استراو در جریان مذاکرات هسته‌ای نیز نقش مؤثری داشته و شاید خاطرات او برای موافقان و مخالفان این رویداد سیاسی جالب باشد. [